

### متن پرسش

با عرض سلام و ارادت خدمت استاد بزرگوار و عزیز: بنده هر گاه سخنان توهین آمیز و بدون رعایت ادب هم جنس هایم را می خوانم (سوالات شماره ۱۰۶۳۴ و شماره ۱۰۸۰۸) به عنوان یک زن شدیداً شرمنده شما می شوم. استاد عزیز ضمن عرض معذرت و شرمندگی باید بگویم با این که این طرز تفکر همه ی زنها نیست ولی تفکر تعدادی از زنانی است که در کمال پاکی و سادگی زندگی می کردند ولی متأسفانه غرب زدگی با حقه ی برابری زن و مرد لذت زن بودن و زندگی کردن را از آنها گرفت. زنانی که قربانی فمینیست شدند بدون اینکه اطلاعی داشته باشند، زنانی که تحت تاثیر مجله زن روز قرار گرفتند به طوری که مطالبش در عمیق ترین لایه های ذهنشان قرار گرفته و باز هم متأسفانه بی اطلاع هستند. شما همیشه به ما یادآوری می کنید که غرب زدگان زنانگی را از زنهای ما گرفتند و بدون در نظر گرفتن روحیات لطیف یک زن، او را با مرد برابر خواندند؛ او را به بیرون خانه کشید و گفتند مانند مرد کار کن نه آن که یک زن باش. به عنوان یک زن اعلام می دارم زن واقعی و سالم در همه ی لحظات پذیرای همسرش است مگر مدتی در ماه، که خداوند به آن توجه داشته و مرد را از نزدیک شدن بر حذر داشته است. مطمئنم این دوستان کتاب «زن آنگونه که باید باشد» را مطالعه نکرده اند والا به پوچ بودن جمله «زن کنیز مرد است» پی می بردند. در هیچ کجای اسلام نگفته است مردی که نمی تواند از پس یک زن برآید به سراغ زن دیگر برود و ۴ تا زن بگیرد، مگر ادامه ی آیه را نخوانده اید که می فرمایند: «وان خفتم الا تعدلوا فواحد» و همچنین اسلام به مرد نگفته است هر وقت و بی وقتی خواستی به سراغ همسرت برو ولی به زن توصیه کرده است که تو همیشه آماده باش در ضمن اگر زنان نه راضی به تمکین شوند نه راضی به زن دوم گناه مرد در این میان چیست؟ غرایز خود را چه کند؟ تکلیف عفت جامعه چه می شود؟ به احتمال زیاد مشکل بعضی دوستان جسمی است و با یک درمان کوتاه مدت برطرف می شود و لازم نیست همه ی احکام و افراد را مقصر بدانند و با آن برخورد کنند. متأسفم که هنوز افراد بسیاری متوجه تاریخی که در آن جلو می رویم نیستند، تاریخی که ما تازه داریم خودمان را دوباره پیدا می کنیم و به هویت خود برمی گردیم. دشمنان این را فهمیده اند و می خواهند زنان ما را از تاریخی که با فضای قدسی شروع شده، بیرون بیاورند. استاد متأسفانه جملاتی همچون من به این خدا کافر را امروزه به وفور می شنویم، چه کنیم؟ به خدایی ایمان دارند که نعوذ بالله بنده ی آنها باشد نه اینکه بخواهند بندگی کنند. خدای ظالم را خودشان برای خودشان ساخته اند و بعد امثال شما و علمای دیگر را متهم می کنند! در فهم از اسلام منحرف شده اند و اشکال را نه در فهم خود بلکه در اصل اسلام می بینند، مثل اینکه بچه ی دوساله ای کلمات را اشتباه بگوید و شما برای

اصلاح ان به سراغ دستور زبان بروید. با این که فکر می‌کنم واضح باشد علما بستر جامعه را برای انجام حکم شرعی در نظر دارند و بیش از برخی آن را می‌فهمند. این مهم است که ما زندگی عاقلانه و عاشقانه را چگونه تعریف کنیم و اساساً چقدر به دنبال تعریف صحیح بوده ایم؟ آیا پیروان دین خود ساخته برخی که تمکین و در موارد لزوم زن دوم نداشته باشد زندگی عاقلانه و عاشقانه ای دارند؟ در آخر من خودم و امثالم را مقصر می‌دانم که کم کاری های ما باعث چنین تفکراتی و نگاه هایی به دین شده است. برای اصلاح آن باید چه کنیم؟ در ضمن از همه ی خواهران و برادران عاجزانه تقاضا می‌کنم که سوال هایتان در کمال احترام مطرح نمایند. اگر استاد ناراحت نمی‌شوند که نمی‌شوند، دوستداران استاد ناراحت می‌شوند. از طولانی شدنش عذر می‌خواهم.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هنر فهم همدیگر برای رسیدن به افقی برتر، بستری است که آینده‌ی درخشانی که در مقابل ما قرار دارد را می‌سازد. ماه‌ها پیش تحت عنوان «زن؛ هویت گمشده‌ی تاریخ ما» عرایضی داشتم و جنابعالی نیز در سخنان خود متذکر آن هویت گمشده شده‌اید. در جواب‌های اخیر تنها از یک جهت به آن هویت گمشده نظر کردم که چگونه زن می‌تواند امور جنسی را در هسته‌ی توحیدی خانه مدیریت کند و نخواستم در این رابطه بحث مودّتی را که حضرت حق در این هسته‌ی توحیدی می‌افشاند متذکر شوم. چه زیبا است آن زندگی که خداوند در نظام تکوین و تشریح خود برای ما تقدیر فرموده. کافی است همان‌طور که در سایر امور شرعی تسلیم حکم خدا می‌شویم تا به حقیقت تکوینی خود که اتصال به حضرت حق است دست یابیم، در امور جنسی نیز تسلیم حکم تشریحی حضرت حق شویم تا حقیقت تکوینی این موضوع نیز برای ما روشن گردد و از ربوبیت حضرت رب‌العالمین حیرت کنیم. موفق باشید